

Logical Fallacies 11

مغالطات منطقی ۱۱

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

مغالطه عوام فریبی یا تمسک به هیجانات جمعی

در این نوع از مغالطه شخص جمعیت زیادی را با سخنرانی های احساسی و مداحی به وجد می آورد و در مسیر افکار و مقاصد خود قرار می دهد. میتوان این نوع از مغالطه را در ذیل مغالطه توسل به احساسات بحث کرد. در اینجا مغالطه گر به جای استدلال و اقامه برهان و دلیل عقلی به «تحریک احساسات و هیجانات جمعی» متوسل می شود و نتیجه مورد نظر خود را می گیرد. میتوان این مغالطه را «توسل به هیجان» نیز نامگذاری کرد.

آدولف هیتلر استاد استفاده از این مغالطه بود. برای تاثیرگذاری بیشتر از پرچم و سرود ملی کشورها نیز استفاده می شود. خود شما چقدر با پخش سرود ای ایران احساساتی می شوید؟ نه اینکه داشتن چنین احساساتی لزوماً بد باشد بلکه باید مراقب باشید ممکن است کسی از این احساسی که در شما برانگیخته می شود در راستای اهداف خود سوء استفاده کند و آن را مورد بهره برداری قرار دهد. در اینگونه شرایط انسان مستعد تصمیم های غیر عقلانی می شود.

هرچند این نوع مغالطه بیشتر به وسیله روش های شفاهی انجام میشود ولی برخی مغالطه گران با نوشتار نیز به برانگیختن روحیه جمعی افراد مبادرت می ورزند. نویسنده ای که سعی میکند با عبارت پردازی ادعای خود را در جهت احقاق حق کارگران جلوه دهد و احساسات درونی آنها را برانگیزد.

گاهی در تبلیغات تلویزیونی نشان داده میشود که افرادی که زندگی مطلوبی دارند و شیک زندگی می کنند در یخچال خانه شان فلان نوع نوشابه است یا فلان برند قالی را در مهمان خانه خود دارند یا به فلان کنسرت ها میروند. سعی می کنند به مخاطب القا کنند که همه این نعمت ها و آرامش در اثر استفاده از فلان کالا است. یا اینکه اگر میخواهید مثل افراد باکلاس زندگی کنید از فلان محصول استفاده کنید.

گاهی در فیلم های سینمایی و سریال های تلویزیونی از این حربه برای فریب افکار عمومی به شکل غیر مستقیم استفاده می شود. مثلا در فیلم هایی که بعد از انقلاب ساخته می شود اسامی افراد خوب از نام های مذهبی و اسامی خلافکاران بیشتر از اسامی غیر مذهبی است. یا مثلا کسانی که در کار خلاف هستند را سعی می کنند با کراوات نشان دهند تا به مخاطب القا کنند که کراواتی ها اینگونه افرادی هستند در حالی که بیشترین اختلاس را در دنیای واقعی تسبیح به دست ها و کسانی که چفیه می پوشیدند انجام دادند و اساسا کراواتی ها در سیستم دولتی ایران در سالهایی که اختلاس و رشوه به اوج رسید، جایی نداشتند. اینها همه برای عوام فریبی است. اتفاقا افرادی مثل دکتر سمیعی که تنها کراواتی بود که در سالیان اخیر تلویزیون جمهوری اسلامی او را نشان میداد انسان شریفی بود که اقدام به ساخت بیمارستان در ایران کرد. کمی نکته سنجی می تواند واقعیت ها را نشان دهد و تاثیر اینگونه ترفند ها را کم کند.

مغالطه شیب لغزنده (Slippery Slope Fallacy)

در این مغالطه ادعا میشود که در صورتیکه وضعیت A مورد قبول قرار گیرد اثر دومینو اتفاق می افتد و A منجر به B می شود و بعد C و این روند ادامه پیدا می کند تا به نتایج وحشتناکی برسیم. هرچند وضعیت A آنقدرها بد و نامطلوب نیست ولی وضعیت C غیر قابل قبول است پس بهتر است با A مخالفت کنیم تا به شرایط ناگوار C نرسیم. البته اگر روند استدلال درست باشد و دلایل قانع کننده وجود داشته باشد اینگونه بحث کردن مغالطه نیست. زمانی اینگونه بحث کردن مغالطه محسوب میشود که احتمال بروز وضعیت B و سپس C آنقدرها جدی نیست و کسی که اینها را به هم وصل می کند عاجز از مقابله با وضعیت A است و این شیوه را برای فریب مخاطب انتخاب می کند. در حالیکه انسان عاقل میتواند با احتیاط مانع از این شود که لغزش از A به B و سپس به C صورت نگیرد. البته به شرط اینکه وضعیت A خودبخود مطلوب باشد. مثلا کسی که هشدار می دهد سیگار میتواند دروازه ورود به مواد مخدر باشد و کسانی که به مواد مخدر روی آوردند با سیگار شروع کردند این می تواند یک بحث منطقی باشد چون وضعیت A که نقطه شروع است هم وضعیتی مطلوب نیست. ولی در مورد کسانی که میخواهند حجاب اختیاری باشد کسانی می گویند مسئله پوشش مو نیست و اگر ما با آن مخالفت نکنیم این آزادی منجر به

این می شود که لباس زیرها را بر سر چوب بزنند. اینجا مغالطه است. چون وضعیت A که حجاب اختیاری باشد مطلوب است و در بسیاری از کشورهای اسلامی اجرا می شود. علاوه بر این می توان با قوانینی که مورد قبول اکثریت باشد جلوی رسیدن به وضعیت B و C را گرفت. یعنی همان اکثریتی که رای به حجاب اختیاری می دهد، به تصویب چنین قوانینی همت خواهد گمارد. قانونی قابلیت اجرا دارد که اکثریت مردم آن را بخواهند و از آن پشتیبانی کنند. زمانی برده داری هم قانون بوده است ولی با حرکت مردم برچیده شد. قانون شرع هم زمانی قابل اجرا است که اکثریت آن را بخواهند.

پس وقتی کسی حرف حقی میزند یا خواسته ای منطقی دارد که نمیتوان به آسانی با آن به مقابله پرداخت، یکی از ترفندهای مغالطه گران این است که آن خواسته را در مسیر خواسته های دیگر یا شرایط دیگر قرار می دهند تا مجالی برای مخالفت با آن فراهم شود.

مغالطه گفتن دروغ های شاخدار (Telling Big Lies Fallacy)

در کتاب مغالطات ریچارد پال و لیندا الدر این مغالطه به عنوان ترفند کثیف شماره ۴۰ توضیح داده شده است. در این باره گفته شده در حالیکه افراد عادی معمولاً در باره مسائل کوچک دروغ می گویند و از گفتن دروغ های بزرگ می ترسند فریب کاران و مغالطه گران از دروغ های بزرگ بیشتر استفاده می کنند. آنها می دانند بسیاری از مردم با گفتن اینکه «محال است کسی دروغی به این بزرگی بگوید» حرف آنها را باور می کنند بخصوص اگر از رسانه ها برای تکرار دروغ بزرگ خود استفاده کنند.

مغالطه گر کاری به این ندارد که چیزی حقیقت دارد یا نه مهارت او در این است که بتواند به گونه ای بگوید که مردم باور کنند.

آنها می دانند مغز انسان به طور طبیعی در جستجوی حقیقت نیست بلکه به دنبال منفعت شخصی، تایید دیگران، راحتی، آسایش و امنیت خود است.

مردم بیش از آنکه تشنه دانستن حقیقت باشند می خواهند چیزی بشنوند که نظراتشان را تایید کند. مردم از حقیقتی که اشکالات فکری، تناقض های عقیدتی و اشتباهات آنها را برملا کند فراری هستند.

مغالطه گران حرفه ای در گفتن دروغ های بزرگ استاد هستند. آنها به گونه ای دروغ می گویند که دیگران آن را باور کنند.

اگر به فصلنامه اقدام مخفی (Covert Action Quarterly) مراجعه کنید دروغ های بزرگی که ماموران CIA گفته اند را خواهید دید. تمام کارهای غیر اخلاقی که در آنجا نوشته شده در زمان انجام رسماً انکار شده اند.

هرگونه کپی برداری از مطالب این وب سایت بدون ذکر منبع پیگرد قانونی دارد.